

برای زینب

روایت زندگی شهید مدافع حرم

محمد بلباسی

سمیه اسلامی ✦ فاطمه قنبری

آخرین باری که حاج محمد را دیدم، ظاهراً جلسه‌ای در بنیاد حفظ آثار ساری داشت؛ مثل همیشه مرتب و آراسته با نگاهی سر به زیر و محبوب که به زمین دوخته شده بود. راستش را بخواهید فکرش را هم نمی‌کردم این آخرین دفعه‌ای باشد که او را می‌بینم.

۸:۲۸ صبح جمعه هفدهم اردیبهشت سال ۱۳۹۵، در حال گوش دادن به دعای ندبه بودم که تلفنم زنگ زد و من اولین اخبار مربوط به حماسه خان طومانی‌ها را شنیدم. باورم شد که هنوز در باغ شهادت باز است و باید امیدوارانه به جلو رفت.



اردیبهشت ۹۶، فرمانده محترم لشکر ویژه ۲۵ کربلا، سردار رستمیان^۱ به بنده اطلاع دادند تا در جلسه‌ای شرکت کنم. آن روز ایشان از علاقه‌مندی خود برای معرفی شهدای مدافع حرم و وطن گفتند و از جمعی که در جلسه حضور داشتند خواستند که برای این کار تمام تلاش خود را بکنند. و از حق نگذریم، خودشان هم تا آخر، پای کار ایستادند و از هیچ کمکی دریغ نکردند. در آن جلسه پژوهش و تدوین کتاب شهیدان محمد بلباسی و رحیم کابلی به این بنده حقییر و تیم کاری‌ام واگذار شد.



تا مقدمات کار انجام شود؛ خانواده شهید بلباسی در جریان قرار بگیرند، مصاحبه‌شونده‌ها معلوم شوند، جلسات اولیه با کارگروه پژوهشی صورت بگیرد و ... زمان زیادی صرف شد.

در نهایت اول شهریور ۱۳۹۶، پژوهش کتاب شهید محمد بلباسی کلید خورد.

۱. سرتیپ دوم پاسدار حمیدرضا رستمیان